

# تن فروشی امن در تهران با حمایت بسیج و نیروی انتظامی

چهارشنبه ۲۶ خرداد ۱۳۸۹ - ۱۶ ژوئن ۲۰۱۰

هر شب خیابان تخت طاووس بعد از ساعت ۸ شب چهره دیگری به خود می گیرد. پیاده باشی یا سواره، وقتی وارد این خیابان میشوی از همان ابتدای مسیر متوجه تراکم ماشینهای متنوعی میشوی که شتابزده برای کنار کشیدن از وسط خیابان در حال سبقت گرفتن از یکدیگر هستند. اگر برای اولین بار با این منظره مواجه شوی و از ماهیت آن اطلاع نداشته باشی فکر می کنی به اصلاح "حلوا خیرات میکنند". ولی اینجا از خیرات خبری نیست. این بازی پر پیچ و خم ماشینها تنها تلاشی است میان مردان سواره برای خرید تن یک زن. رقابتی پر هیاهو در بازار شبانه و تحت الحفظ تن فروشان زن و ترنس هایی که خیابان مطهری یکی از پایگاههای اصلی و شناخته شده آنهاست. اگر از نزدیک شاهد صحنه باشی خواهی دید که در معامله غیر قانونی اما علنی این بازار، فروشنده و خریدار با رضایت خیابان را ترک میکنند.

تن فروشی در این خیابان در ازای رقمی بین ۲۰ تا ۵۰ هزار تومان صورت میگیرد. رانندگان ماشینهایی که به سرعت می خواهند خود را به کانون معامله نزدیک کنند عموماً در مسیرهای میدان فاطمی، فتحی شقاقی، استاد مطهری (تخت طاووس)، سهروردی و برگشت از شهید بهشتی و مصلا بزرگ و نیمه تمام تهران و باز خیابان مطهری در ترددند. طی دو یا سه ساعتی که در هر کجای این مسیر ۱۰ کیلومتری ایستاده باشی و به دقت خیابان را در نظر بگیری تعداد زیادی خودرو را در حال چرخش به دور محیط این مسیر مستطیلی خواهی دید. این ماشینها عموماً تک سرنشین و یا با یک همراه هستند که با وجود روسپیان زیاد این مسیر شاید ساعتها به دنبال روسپی دلخواه خود میگردند. بنا بر آمار رسمی پلیس تهران هر روسپی حداکثر ۵ دقیقه از وقت خود را در خیابان منتظر مشتری می ماند، بنابراین سرگردانی این ماشینها تنها به دلیل یافتن زن یا ترنسی ویژه است.

تمرکز و توجه این تعداد از مردان در این مسیر (که البته تنها محل بروز یا وجود چنین مراودات و معاملاتی در کلان شهر تهران نیست) قبل از هر چیز این سؤال را در ذهن شکل می دهد که این مردان به دنبال چه سطحی از ارضای نیازهای جنسی خود هستند که با چنین ولع و حساسیتی به این روشنی وارد این بازی به ظاهر خطرناک میشوند.

در این شرایط که همه نهادهای حکومتی مرتبط با امنیت اجتماعی و ضابطان حفظ اصول و ارزشهای اسلامی در صدد مقابله یا پیشگیری (ولو ظاهری) از بروز چنین انحرافات در خیابانها و اماکن عمومی هستند، این عریانی در خرید و فروش تن در خیابانهای پر تردد و اصلی بیش از هر چیز بر سازمان یافته بودن و تحت کنترل بودن فروش سکس در ایران صحنه می گذارد.

حامد که خود یکی از مشتریان سکس خیابانی است معتقد است: " این زنان از سوی تعدادی از بسیجی ها حمایت می شوند" او دلیل باور خود به این موضوع را شهادت بسیاری از زنان تن فروش خیابانهای اصلی و پر مشتری می داند. حامد که هفته ای دو شب را در خیابان های تخت طاووس و عباس آباد در آمد و شد می گذراند می گوید: " تقریباً همه این زنان را حداقل یک بار سوار ماشین خود کرده و با آنها درباره قیمت و کیفیت ارائه سرویس صحبت کرده ام و در نهایت با نیمی از آنها سکس داشته ام. در ارتباط زیادم با آنها بارها شنیده ام که نیمی از درآمد خود را به مردانی می دهند که تحت عنوان بسیج یا نیروی انتظامی و ... در مسیر همان خیابانها در گردش هستند و بازار این زنان را کنترل می کنند"

مهدی که محل زندگی او در خیابان لارستان است و معمولاً شبها در پیاده روهای خیابان تخت طاووس و ولیعصر قدم می زند در اظهار نظر مشابهی معتقد است: "گروهی از ماموران پلیس و عوامل بسیج گردانندگان اصلی روسپیگری در این مسیرها هستند". وی که از مشاهدات خود در این ارتباط استفاده می کند می گوید: "این حمایت دولتی بسیار واضح است، چرا که زنانی که تجارت سکس می کنند با ظاهری مشخص تا نیمه های شب بدون اینکه کسی مزاحشان شود در این مسیر پرسه می زنند. کافی است مثلاً کسی آنها را به زور سوار ماشین خود کند بالافاصله سر و کله یک مامور پیدا می شود و کارشان به پایگاه بسیج یا ساختمان وزرا می کشد. هر چند همه راه فرار را هم بلدند و کافی است در طول مسیر از خیر وجه معامله بگذری و این پول را به عنوان وجه المصالحه دو دستی تقدیم پاسداران حریم ارزشهای اخلاقی کنی تا آزاد شوی"

حمیدرضا دانشجو و یکی از مشتریان این زنان است. او سرکوب ۳۰ ساله روابط جنسی را عامل اصلی گرایش مردان به این نوع نازل و بی کیفیت سکس می داند و می گوید: "همه ما عادت کردیم بدون در نظر گرفتن زشتی و زیبایی به فرمان دورنی مان که می گوید فرصت را از دست نده گوش دهیم. شاید هیجان کاذب اینکه آدم کاری خلاف قانون انجام می دهد هم بی تاثیر نباشد. در ضمن این حس که با مقداری پول می توانی هر خدمتی دریافت کنی و صاحب تن زنی شوی که حق ندارد چیزی از تو

بخواهد، به نوبه خود حس جالبی است که احتمالاً همه مردان از تجربه آن لذت می‌برند.

سویه دیگر صحبت‌های حمید را در گفت و گو با سامان می‌شنویم. او ساکن یوسف آباد است و حالا در خیابان فتحی شقاقی در جستجوی زن دلخواه خود می‌گردد.

سامان می‌گوید: "با شناسایی این زنان سعی در درجه بندی همکاری آنها برای ارضای خود کرده‌ام و به این ترتیب با داشتن شماره تلفن‌های آنها بسته به قیمت یا کیفیت خدماتشان با آنها تماس می‌گیرم. شب‌هایی که وقت و حوصله دارم چرخی می‌زنم تا به لیست خود اضافه کنم. با تمام این وسواس‌ها به نظر من سکس با روسپی‌ها مثل خوردن یک ساندویچ است. وقتی گرسنه‌ای به یک تکه نان هم قناعت می‌کنی اما مثلاً همبرگر را ترجیح می‌دهم. حالا وقتی خیلی گرسنه باشم و کمی حوصله به خرج دهم زنی را می‌خرم و این همان مقوله ساندویچ و یک تکه نان است برای من."

سامان تجربه بازداشت در همین خیابان را نیز دارد. او تعریف می‌کند که چگونه پس از سوار کردن یکی از زنان تن‌فروش توسط گشت پلیس مجبور به توقف می‌شود. یکی از ماموران پس از اخذ مدارک او سوار ماشین‌اش می‌شود و دستور حرکت به سمت بازداشتگاه را می‌دهد. اما چند خیابان آنسوتر به دستور همان مامور زن تن‌فروش پیاده می‌شود و او می‌ماند با یک پلیس وظیفه‌شناس که با پنجاه هزار تومان قصه بازداشت را فراموش می‌کند.

دکتر پوریا که به تازگی مدرک دکتری جامعه‌شناسی خود را از دانشگاه تهران گرفته است پس از شنیدن بخش‌هایی از اظهارات مصاحبه‌شوندگان، مورد اخیر را به عنوان نمونه‌ای از سواستفاده از زنان تن‌فروش توسط پلیس یا نیروی‌های بسیج می‌داند و معتقد است: "دولت، پلیس و قوه قضائیه هرگز نه توان مقابله با روسپیگری را دارند و نه علاقه‌ای به این کار دارند. ضمن آنکه عده زیادی از به اصطلاح خودی‌ها در تجارت سکس مشارکت دارند. آنها وجود این تجارت را بر خلاف ادعاهای رسمی اجتناب‌ناپذیر می‌دانند و ترجیح می‌دهند سود آن را به دست دیگران نسپارند. عملاً هیچگاه برخورد قاطعی با روسپیان نمی‌شود و بیشتر فشارها بر روی زنان عادی است که مثلاً پوشش مورد پسند آقایان را ندارند. همین تاکید پرجنجال بر ازدواج موقت انعطاف مسئولان در مقابل سکس‌های خارج از خانواده و خیابانی را نشان می‌دهد. اینکه در ایران شبکه‌ای سامان یافته و منسجم قاچاق و فروش سکس وجود دارد قابل انکار نیست. اخباری که هر از چندی در رسانه‌ها منتشر می‌شود و حاکی از حراج دختران ایرانی در بازارهای عرب است دلیلی بر این مدعا است. همه ما هم می‌دانیم هر

جا پول هنگفت باشد دست غیر خودی از آن کوتاه است. در این میان سپاه، بسیج و نیروهای امنیتی که مدعیان قدرت و مقابله با تعرض به کشور هستند، طبیعتاً سهم خواهان جدی این تجارت پرسود هستند. شاید بعد از نفت و قبل از واردات و صادرات انحصاری و پولشویی، تجارت سکس پرسودترین عرصه اقتصادی است که جولانگاه خودی ها شده است. روسپیان زیر تابلو خیابان های اصلی می ایستند. آنها از تاریکی شب نمی ترسند، آنها به خشونت جاری تن داده اند، روسپیان که زیر تابلوهای "مطهری"، "بهشتی"، "مصلا" و "فتحی شقاقی" ایستاده اند حتی اگر گرسنه باشند می دانند چشمانی، به بهای نیمی از درآمدشان، مراقب آنها هستند. زیرا این تابلوها امنیت روسپیان تضمین می شود